

کتابخانه انجمن  
ش.ش. فلسفه ایران  
۳۰۳



# اسلام

---

## صلح و همزیستی

یکروی صلح، همزیستی  
و روی دیگر آن ریشه کن کردن تجاوز است

نوشته  
حجة الاسلام عمید زنجانی

صلح از قدیمیترین آرمانهای مقدس بشری است و بدلیل اینکه بیش از هر ارزش دیگر در معرض تهدید و مخاطره بوده است همواره انسانها چه از نظر تئوریک و چه به لحاظ راه‌حلهای عملی مقطعی در تلاش چاره‌جویی برای رسیدن به آن بوده‌اند.

تاریخ سیاسی جهان شاهد عهدنامه‌ها و قراردادهای دو یا چند جانبه بین دولتها است که خود نمایانگر گوشه‌ای از فعالیت‌های بشری در راه برقراری صلح و همزیستی است.

در حقیقت تلاش برای صلح همواره به موازات کوشش برای تجاوز و جنگ افروزی در روابط فیما بین ملت‌ها ادامه داشته است و هم‌اکنون نیز اگر تحلیل‌های استراتژیک، جنگ را بعنوان وسیله‌ای برای رسیدن به هدفها بصورت همه‌جانبه مطرح میکند و از تمامی امکانات بالقوه و بالفعل علم و تکنولوژی بهره‌گیری مینماید در کنار آن، پژوهش‌های ریشه‌ای در زمینه صلح نیز عرصه وسیعی را از فعالیت‌های بین‌المللی بخود اختصاص داده است. در این پژوهش‌های گسترده سعی بر آن است که از تحقیقات علمی در رشته‌های مختلف برای درک خشونت و در صورت امکان جلوگیری از بروز خشونت در جامعه بین‌المللی بهره‌گیری شود و شیوه‌های عملی و نمربخشی ارائه گردد.





## اسلام، صلح و همزیستی

### دیدگاهها در مفهوم صلح:

همه آنها که دم از صلح میزنند یکسان نیستند و از این شعار ایده آل مفهوم واحدی را منظور نمیدانند زیرا بیگمان ایدئولوژیها و دیدگاههای فلسفی همواره زیربنای مفاهیم و ازهها بویژه در وازههای علوم سیاسی هستند و در حقیقت غرب کاپیتالیست وقتی از صلح سخن میگوید مفهومی را در نظر میگیرد که با صلحی که شرق کمونیست از آن دم میزند متفاوت است. همینطور صلح موردعلاقه قدرت بزرگ با صلحی که یک کشور ضعیف برای حفظ موجودیت و استقلال خودخواهان آن میباشد فرق میکند.

گاه شرایط حاکم نیز در شکل گیری مفاهیم و ازههای سیاسی تأثیر میگذارد، صلح پس از یک جنگ خانمانسوز و ویرانگر مفهومی دارد که در شرایط عادی وقتی مطرح میشود مفهومی دیگر بخود میگیرد.

برای آنها که بدلیل وحشت از آثار ویرانگر جنگ و یا به مخاطره نیافتادن منافع و آزادیها و بازبودن راه بهره گیری و بهره کشی هر چه بیشتر از نیروها و امکانات موجود صلح را مطرح میکنند، از نظر آنها این کلمه تنها معنی مصونیت از تعرض و متارکه جنگ و بطور کلی حالت مقابل جنگ را دارد هر چند که این نوع صلح و همزیستی توأم با دشمنی پنهانی و قصد توطئه و تجاوز و مترصد فرصتهای مناسب بودن نیز باشد و حتی چنین صلحی نتایج و غنائم جنگ را نیز دربرداشته باشد. همچنین آنها که تز پیکار مداوم و آشتی ناپذیری طبقه پرولتاریا بر سر علیه همه ریشهها و عوامل نگهدارنده بورژوازی را در سر میبروراندند و قدرت و هر نوع ارزش دیگر را منحصر از آن یک طبقه ممتاز میدانند وقتی از صلح سخن بمیان میآورند در حقیقت مقصود آنها از صلح عبارت از عامل جاده صاف کنی است که راه این پیکار را هموارتر و زمینه اتحاد طبقه ممتاز را فراهم تر نماید و آنها را تساهل رسیدن به مقصد نهائی موقتاً از تعرض مصون نگهدارد.

صلح برای یک کشور قدرتمند بمعنی آنست که منافع ملی آن مورد تهدید قرار نگیرد و به آن کشور توان استیفای همه منافع بالقوه و بالفعل را بدهد. ولی کشورهای ضعیف از صلح چیزی جز حفظ موجودیت و به مخاطره نیافتادن استقلال و حکومتشان منظور نمیدارند.

در فرهنگهای سیاسی هم صلح را بگونه ای که با همه این مقاصد سازگار باشد تفسیر کرده اند: حالت آرامش در روابط عادی یا کشورهای دیگر و فقدان جنگ و نیز فقدان نظام تهدید (بکار انداختن یک دستگاه قوی اجبار و الزام در برابر طرف مقابل)

همزیستی مسالمت آمیز نیز بهمان گونه به نحوه مناسبات بین کشورهایی که دولتهای آنها دارای نظامهای اجتماعی و سیاسی مختلف هستند اطلاق شده است و منظور از آن رعایت اصول حق حاکمیت برابری حقوق، مصونیت و تمامیت ارضی هر کشور کوچک یا بزرگ، عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورها و فیصله مسائل بین المللی از طریق مذاکره.

بدین ترتیب واژه صلح با کلماتی چون امنیت، استقلال، رعایت حق حاکمیت عدم مداخله و عدم توسل بزور و تهدید مترادف بکار برده شده است. برخی هم صلح را بمعنی نظم مشروط به یکپارچگی جامعه بین الملل دانسته اند و از این لحاظ تحقق آنرا بدون به زمینه اصلی زیر ناممکن شمرده اند:

۱ - یکپارچگی و چشم پوشی همه ملتها از منافع ملی بمنظور اجرای سیاستهای جمعی در هدفهای فوق ملی.

۲ - یک تصور و دیدگاه عمومی در زمینه عدالت و انصاف.

۳ - برقراری یک سازمان مقتدر بین المللی با قدرت برتر و مسلط که هرگونه اعمال زور و مقاومت در برابر منافع جمعی و عدالت را غیرممکن سازد. از اینرو است که ایده حکومت جهانی که دربرگیرنده این عناصر میباشد همواره بعنوان یک راه حل منطقی برای مسأله صلح مطرح بوده است.

### صلح از دیدگاه سازمان ملل متحد:

در مقدمه و فصل اول منشور سازمان ملل متحد صلح بعنوان هدف اصلی سازمان معرفی شده است و در فصول دیگر نیز همواره بعنوان محور فعالیتهاى مختلف سازمان از آن یاد شده است.

بر اساس تکنیک حقوقی این سازمان ولی جای تأسف است که در عمل ممکن است صلح در روند سازمان ملل متحد تنها در جهت منافع قدرتها قرار گیرد زیرا ممکن است در مجمع عمومی نسبت به مسأله خاصی بمنظور تأمین صلح توصیه ای انجام گیرد. ولی ۹ عضو از ۱۵ عضو شورای امنیت که احتمالاً ۵ عضو از آن ۹ عضو همان قدرتهائی هستند که حق و تو دارند، بدون توجه به توصیه مزبور تصمیم دیگری اتخاذ نمایند.

تحت شرایط سیاسی کنونی جهان چنانچه ضرورت ایجاد کند اغلب اعضای شورای امنیت منجمله اعضای دائمی که دارای حق و تو هستند و ادار به حمایت از موضعی میگردند که امریکا و شوروی و چین اختیار کرده اند. هرگاه آنها متحد شوند میتوانند تحت عنوان صلح و جلوگیری از جنگ مقاصد خود را بر جهان تحمیل نمایند و زمانی که بین آنها اختلاف درافتد سازمان ملل فاقد هر نوع نقش مؤثری خواهد بود و بقول مورگانتا تئورسین معروف روابط بین الملل در حالت بروز چنین وضعیتی تصمیم شورای امنیت کاغذ باطله ای بیش نخواهد بود. گزارشهای رسمی سازمان ملل متحد استنباط مورگانتا را کاملاً تأیید میکند. زیرا مجمع عمومی سازمان ملل متحد از دومین اجلاس خود در سال ۱۹۴۷ تاکنون علیرغم چندین قطعنامه حاوی توصیه های کلی بمنظور تقویت و حمایت صلح که تصویب کرده و اصولی را در جهت حفظ صلح بیان کرده است نتایج چندان مؤثری بدست نیاورده است و حتی برای اینکه قطعنامهها جنبه عملی داشته باشند در سال ۱۹۵۰ قطعنامه ای زیر عنوان صلح از طریق عمل و قطعنامه دیگری تحت عنوان اتحاد برای صلح به تصویب رسانید که مقرر داشت اگر شورای امنیت در اثر عدم اتفاق آراء کامل اعضاء دائمی خود موفق به انجام مسئولیت اساسی خود در حفظ صلح در موردی که خطری برای صلح، نقض صلح و یا عمل تجاوز در کار باشد مجمع عمومی میتواند فوراً به رسیدگی پرداخته و به اعضای مجمع در مورد مسائلی از جمله نقض صلح و یا عمل تجاوز استفاده از قوای مسلح در صورت لزوم برای حفظ صلح و امنیت بین المللی توصیه های بعمل آورد. بدنبال آن کمیسیون نظارت صلح و سپس کمیته اقدامات مشترک و از آن پس نیروی اضطراری سازمان ملل متحد (یولف) تشکیل گردید. ولی در هیچکدام از این موارد نتوانسته است بحرانهای موجود را ریشه کن نماید.

سرانجام مجمع عمومی در قطعنامه ۱۹۶۵ به رئیس مجمع اختیار داد که کمیته ویژه عملیات حفظ صلح را به ریاست خود و با همکاری دبیر سازمان ملل متحد تشکیل دهد. این کمیته پس از چهارده جلسه در گزارش خود صریحاً اعلام نمود که





## واژه‌های صلح در فرهنگ

در فرهنگ و فقه سیاسی اسلام دو واژه «سلام» و «صلح» از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند و در نصوص قرآنی و متون احادیث اسلامی برای بیان یک اصل حقوقی و سیاسی بکار برده شده و بر آن دو تأکید شده است. مشتقات این دو واژه در قرآن چنین آمده.

۱ - واژه سلم و سلامت و سلام در لغت بمعنی برکنار بودن از آفات و بیماریهای ظاهری و باطنی آمده است. قلب سلیم «اجزاء ربه بقلب سلیم» بمعنی سلامتی قلب از آفاتی چون شک، حسد، کفر و ریا است و راههای سلام (سبیل السلام) عبارت از راهی است که در آن آفتی چون ناامنی و خطر وجود نداشته باشد «یهدی به الله من اتبع سبیل السلام» و نیز دارالسلام «لهم دارالسلام عند ربهم» جایگاه امنی است که بدور از آفات و خطرات باشد.

سلام که شعار و درود اسلامی است «و اذا جائك الذین یؤمنون با یاتنا فقل سلام علیکم» بمعنی آرزوی سلامتی و بدور بودن زندگی از آفات و سببهای خطرات میباشد و توحیتی است که خداوند به کسانی ارزانی میدارد که از گذرگاه صبر و استقامت گذشته باشند «سلام علیکم بما صبرتم فنعیم عقبی الدار»

هنگامیکه شخصی به دیگری سلام میگوید در حقیقت مفهوم آن دعا و خواستن سلامت و امنیت از خداوند برای او است یعنی سلامت و امنیت باد از خداوند بر تو و این دعا و توحیت موجب نزول برکات و پاکی است «فسلموا علی انفسکم تحیه من عندالله مبارکه طیبه» و آنگاه از جانب خداوند متوجه انسان میشود «سلام علی المرسلین» بمعنی برخورداری انسان از عنایات خاص الهی و مصونیت وی میباشد «لاخوف علیهم ولا هم یحزنون»

قرآن سلام را درود متعارف بین بهشتیان و سلام واقعی را از خصائص زندگی بهشتی میداند «لا یسمعون فیها لغواً ولا تألیماً الا قلیلاً سلاماً سلاماً» و آن نوع زندگی را عاری از هر نوع عوامل تعرض می شمارد.

سلام بعنوان شعار صلح تنها در برابر انسانهای طالب صلح گفته نمیشود بلکه در مقابل کسانی که با برخورد جاهلانه صلح را به مخاطره می افکنند نیز سلام گفته میشود «واذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاماً»

قرآن در برابر کسانی که شعار سلام را بر زبان میآورند درشتی و ناباوری و بدگمانی را نمیپذیرد «ولا تقولن لمن اتی الیک السلام لت مؤمنه» سلام بیانگر مطلوبترین حالتی است که انسان بهنگام ورود در بهشت و دریافت سند جوادانگی آن حالت را احساس میکند «اذخوها بسلام ذلک یوم الخلور»

ارزشمندترین و بزرگترین و پرمفیدترین لحظات در سال شب قدر است که قرآن از آن به سلام یاد میکند «سلام هی حتی مطلع الفجر» سلام از نامهای مقدس الهی است زیرا مسبین والاترین و نعمت الهی است «هواله الذی لا اله الا هو الملك القدوس السلام»

طبری در مجمع البیان میگوید معنی اینکه خداوند سلام است اینست که بندگان از ظلم او در امانند و صدوق در کتاب توحید آنرا بمعنی سلامت و امنیت‌دهنده تفسیر نموده و برخی نیز به معنی سالم از هر نوع نقص و عیب و آفت دانسته‌اند، علامه طباطبائی در تفسیر المیزان نام سلام را بمعنی بی‌آزار تفسیر نموده و گفته است سلام کسی است که رفتارش با تو بسلامت و عافیت و بدور از ضرر و شر باشد.

سلم (بر وزن علم) مترادف با صلح و بمعنی مسالمت است (یا ایها الذین آمنوا ادخلو فی السلم کافه) و همچنین سلم (بر وزن عقل) بمعنی سازش عادلانه و

ظاهراً توافق آراء کامل درباره مفهوم عملیات حفظ صلح وجود ندارد و مفهوم آنرا نمیتوان دقیقاً و آنطور که همه دولتها را قانع سازد بیان کرد و تأکید نمود که هرگونه اقدام قهری میبایستی منحصراً توسط شورای امنیت و بموجب مواد منشور ملل متحد بعمل آید و از آنجا که ناتوانی شورای امنیت بدلیل نقائص ماهوی آن و نیز ضعفهای عملی قابل پیش‌بینی بود. قسمت دوم گزارش مزبور حاکی از آن بود که اگر شورای امنیت علیرغم توصیه‌های محکم مجمع عمومی نتواند اقدام کند ناتوانی سازمان ملل متحد در دخالت در یک وضع بخصوص محرز و قابل تصور خواهد بود.

جهان ناتوانی شورای امنیت را در حل مشکلات صلح در طول قریب به چهل سال گذشته آزمود و کارآئی آنرا در جریان مسائل خاورمیانه بویژه فلسطین و مسائل خاور دور بویژه ویتنام و مسائل افریقا بویژه آفریقای جنوبی و مسائل مربوط به کشورهای امریکائی و نیز در محکوم کردن متجاوز در جنگ تحمیلی عراق بر علیه ایران مشاهده نموده است.

## نتیجه این بحث:

از بحثهای گذشته در زمینه صلح میتوان نتایج زیر را بدست آورد:

- ۱ - تلاش بشر در زمینه راهیابی به تبیین حقوقی صلح مانند تلاش در جهت رسیدن به صلح پایدار متکی بر عدالت هیچگاه در تاریخ زندگی بشر متوقف نگردیده است.
- ۲ - ایدئولوژیها و دیدگاههای فلسفی همواره در هر دو نوع حرکت در راه صلح اثر مستقیم داشته‌اند.
- ۳ - صلح معمولاً در شرایطی که خطر جنگ احساس میشده و یا برای گریز از جنگهای خانمانسوز بعنوان راه حلی برای اجتناب از جنگ و تجاوز و آثار ناشی از آن مطرح بوده است.
- ۴ - قوی و ضعیف هر کدام صلح را بمعنی خاص مربوط به موقعیت خود تفسیر کرده‌اند.
- ۵ - برقراری صلح احتیاج به زمینهای مختلفی دارد که بدون آن زمینها یا صلحی نخواهد بود و یا پایدار نخواهد ماند.
- ۶ - صلحی که سازمان ملل متحد آنرا شعار اصلی خود قرار داده یک شعار یک بعدی و تضمین‌کننده منافع قدرتهای بزرگ است.
- ۷ - در شورای امنیت که تنها امید تضمین‌کننده صلح در سازمان ملل متحد است تاکنون بارها امیدها بیاد رفته است.
- ۸ - نظر مورگان تا توریسین معروف روابط بین‌الملل در زمینه تصمیمات شورای امنیت.
- ۹ - گزارشهای مستند سازمان ملل متحد در زمینه امیدهای بر باد رفته. اکنون با توجه به این نتایج نامطلوب مسأله صلح را از دیدگاه اسلام مسود بررسی قرار میدهم و محققین را به مقایسه و نتیجه‌گیری و داوری می‌طلبم.



۹ - یا ابا ایوب الا اخبرک وادلک علی صدقه یجتها اله ورسوله تصلح بین الناس اذا تفاسد و اتباعوا<sup>۳۱</sup>  
 ای ابو ایوب ترا خبر ندهم و راهنمایی نکنم به صدقه‌ای که خدا و رسولش آن را دوست می‌دارند بین مردم وقتی مردم روابطشان به فساد گرائید و از یکدیگر دور بشوند اصلاح کن.  
 ۱۰ - المصلح لیس به کاذب<sup>۳۲</sup> گفته اصلاح کننده هرگز دروغ محسوب نمی‌شود.

۱۱ - مستصالحکم و تصالحون الروم صلحاً امنأ<sup>۳۳</sup> در آینده نزدیک روم با شما با مردم به صلحی دست خواهید یافت که موجب امنیت است.  
 ۱۲ - ان المشرکین راسلونا الصلح حتی مشی بعضنا فسی الی بعض و اصطلاحنا<sup>۳۴</sup>

### صلح و فطرت

قابل انکار نیست که مقتضای فطرت و طبیعت انسان در مناسبات و روابطی که در میادین مختلف زندگی اجتماعی و سیاسی با هموعان خود پیدا می‌کند با قطع نظر از علل و عوامل خارجی حالت همزیستی و صلح می‌باشد و این حالت فطری و طبیعی با سجایای نیک و خصائص عالیه و ملکات اکتسابی و پسندیده انسانی نیز پیوندی بس عمیق و غیر قابل تفکیک دارد و اصولاً باید آن را از مظاهر معنوی حیات و وحدت روحی انسانها بشمار آورد.

گرچه حالت ستیزه‌گری و جنگ نیز در میان انسانها از یک سلسله احساسات سرکش درونی سرچشمه می‌گیرد و غریزه حب ذات و حس استخدام و غرائز ناشی از آن دو در زمینه‌سازی جنگ و تولید حالت ستیزه‌گری نقش اساسی را ایفاء می‌کند.

ولی نباید از این نکته غفلت داشت که ارتباط عارضه جنگ با غرائز انسانی تنها در صورت افراط در بهره‌برداری از غرائز درونی قابل قبول می‌باشد و از اینرو اگر ما بنظر دقیق عوامل درونی و علل روانی پدیده جنگ را در انسان جستجو نماییم باید انگشت روی حالت روانی عارضی و باصطلاح غرائز ثانوی که ناشی از افراط و تفریط در بهره‌برداری از غرائز اولیه می‌باشد بگذاریم و حالات انحرافی درونی را عامل اصلی آن بدانیم.

از طرف دیگر پیوند فطری و طبیعی و اخلاقی مسئله همزیستی و صلح با انسان از نظر واقعیت‌های عینی و حقایق تاریخی نیز مورد تأیید بوده و اصول و قواعد عقل و فکر و دانش نیز این پیوند معنوی را بیش از پیش محکمتر ساخته است.<sup>۳۵</sup>  
 گرچه برخی از تئوریسینها جنگ را در زندگی بشر اجتناب‌ناپذیر می‌دانند ولی دلائلی که در این زمینه ارائه می‌دهند<sup>۳۶</sup> نشان‌دهنده انحرافات است که در انتخاب شیوه‌های زندگی دامنگیر ملتها و یا سران آنها می‌گردد.

### اصالت صلح بعنوان یک قاعده حقوقی در اسلام

مسئله صلح و جنگ همانطوری که اولین و مهمترین مسئله حقوق بین‌الملل<sup>۳۷</sup>

همزیستی است (وان جنحوا للسلام فاجنح لها) و اسلام بمعنی انقیاد و تسلیم بمعنی سر فرود آوردن و دین الهی از آن جهت اسلام نامیده شده «ومن یتبغ غیر الاسلام دیناً فلا یقبل منه»<sup>۳۷</sup> چون دین واقعی انقیاد در برابر خدا است و سلامت و مسالمت و صلح واقعی در نهاد و ضمیر آدمی هنگامی تحقق می‌یابد که انسان به انقیاد کامل از خدا رسیده باشد «ان الدین عندالله الاسلام وما اختلف الذین اتوا الكتاب الا من بعد ما جائهم العلم بغیا بینهم»<sup>۳۸</sup> و بهمین معنی آمده و اژه سلم «والقوالی الله یومئذ لسللم»

۲ - و اژه صلح در لغت بمعنی مسالمت، سازش و از بین بردن نفرت میان مردم است<sup>۳۹</sup> «الصلح خیر»<sup>۴۰</sup> و صلح از همین ماده و صالح بمعنی مطابق با عدل و انصاف و شایسته و بدور از هر نوع فساد آمده (الیه یصعد الکلم الطیب والعمل الصالح یرفعه»<sup>۴۱</sup> و اصلاح بمعنی ایجاد صلح و الفت اطلاق شده «فمن خاف من موص حنیفاً او اثماً فالج بینهم»<sup>۴۲</sup> و یا بمعنی رفع هر نوع عیب و آفت و ایجاد شایستگی «کفر عنهم سبائهم واصلح بهم»<sup>۴۳</sup>  
 اما در احادیث اسلامی و اژه‌های سلام و صلح بصورت‌های مختلف آمده که بذکر چند مورد اکتفا میکنیم:

۱ - التسلیم علامه الامن و تحلیل الصلوه<sup>۴۴</sup> سلام دادن در نماز نشانه امنیت و بیرون آمدن از نماز است.

۲ - الحمد لله الذی شرع الاسلام فسهل شرایعه لمن ورده و اعزاز کانه علی من غالبه فجعله امنأ لمن علقه.<sup>۴۵</sup>

ستایش خدائی را سزا است که اسلام را برای مردم راه زندگی قرار داد و راههای آن را آسان گردانید و ارکان آن را استحکام و عزت بخشید و آن را وسیله امنیت برای کسی که به آن بگردد قرار داد.

۳ - «المسلم من سلم المسلمون من لسانه و من یده» این حدیث که در متون اسلامی از جمله در نهج البلاغه خطبه ۱۶۷ و نیز در کنز العمال مجلد اول و صفحه ۱۴۹ آمده نشان‌دهنده تقارن و تلازم اسلام و صلح و همزیستی می‌باشد.  
 معنی حدیث اینست که مسلمان کسی است که مسلمانان از زبان و از دست او در امان و سلامت باشند.

۴ - من اسلم مسلم این حدیث را که مسند احمد بن حنبل در مجلد پنجم صفحه ۲۴۷ نقل کرده به معنی آنست که هر کس اسلام آورد در سلم و سلامتی و همزیستی بسر میرود و از هر آفت و آسیبی مصون می‌ماند و شبیه همین معنی است پیامی که پیامبر به امپراطور ایران فرستاد «اسلم تسلم» و حدیث دیگر: تفر و فتقم و تسلم که در سنت ابی داود کتاب جهاد صفحه ۳۴ آمده است.

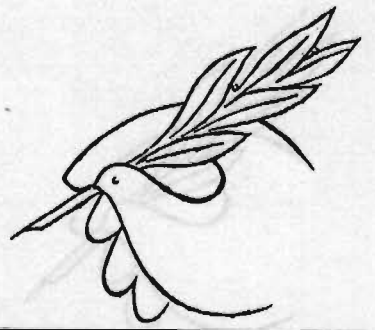
۵ - در احادیث مربوط به ظهور حضرت مهدی (عج) آمده است: «تملا الارض من السلم»<sup>۴۶</sup> زمین را پر از صلح می‌کند.

۶ - من مشی فی صلح بین اثنتین صلی علیه ملائکه اله حتی یرجع<sup>۴۸</sup> کسی برای سازش و صلح بین دو نفر گامی بردارد تا بر گردد فرشته‌های رحمت او را درود می‌فرستند.

۷ - ملعون رجل یدنه اخوه بالصلح فلم یصالحه<sup>۴۹</sup> دور از رحمت خدا است کسی که برادرش برای صلح با او پیشقدم شود و او امتناع ورزد.

۸ - الصلح جائز بین المسلمین الا صلحاً اجل حراماً و حرم حلالاً<sup>۳۷</sup> صلح در جامعه اسلامی امری مباح می‌باشد مگر آنکه حرامی را حلال کند و یا حلالی را حرام نماید.





## اسلام، صلح و همزیستی

موضوعه است در اسلام نیز زیربنای اصلی فقه سیاسی خارجی و بنیان حقوق بین الملل تلقی می گردد اما اینکه کدام اصل و کدام امر عارضی و استثنائی است در میان فقهاء اختلاف نظر دیده می شود.

فقهاء معمولاً در مسائل بسیار مهم نخست به تأسیس اصل و قاعده می پردازند بنحوی که اگر حالت استثنائی از آن قاعده وجود داشته باشد الزاماً باید با دلیل ثابت گردد و در غیر این صورت قاعده بر موارد مشکوک حاکم خواهد بود مثلاً در مسئولیتها اصل را بر برائت و در اعمال دیگران اصل را بر صحت و اصل اولی را در حکم اسبیه بر اباحه گذارده اند و از اینرو اثبات هر نوع مسئولیت و یا فساد در اعمال دیگران و حرمت اشیاء منوط به دلیل و نیازمند به اثبات شرعی می دانند. در مسئله صلح و جنگ نیز سه نظریه به عنوان تأسیس اصل و قاعده دیده می شود.

۱ - نظریه برخی از مستشرقین<sup>۳۷</sup> و حقوق دانانی که در زمینه تئوری حقوق بین الملل اسلام به بررسی پرداخته اند<sup>۳۸</sup> مبنی بر اینکه جهاد رابطه اصلی دارالاسلام را با جهان خارج مشخص می کند و اسلام از آنجا که نتوانست خوی جنگجویی اعراب را زایل سازد از این وسیله برای سرکوب غیرمسلمین استفاده نمود و اگر اسلام از صلح سخن به میان آورده صرفاً برای رهیابی به هدف نهائی است که توسعه اسلام در جهان می باشد و این در شرایطی است که جهاد کار ساز نباشد. مستند این نظریه آیات جهاد در قرآن است که جهاد را به عنوان یک فریضه بر همه مسلمین واجب شمرده و کسانی را که از جهاد روی بر می گردانند مورد نکوهش شدید قرار داده است و با برداشتی سطحی تصور شده است که کلیه آیات جهاد مربوط به جهاد ابتدائی و معنی جهاد ابتدائی هم شمله ور نگاهداشتن جنگ بطور مستمر بین جهان اسلام و جهان کفر می باشد، معنی و برداشت صحیح از آیات جهاد را در مباحث آینده مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۲ - نظریه استحبابی بودن جهاد و نفی وجوب آن در اسلام که از بعضی از تابعین مانند سفیان ثوری و عبدالله بن شبرمه و عطاء بن اسیب ریحان نقل شده که گفته اند:

جهاد امری اختیاری و استحبابی است و واجب نیست و اوامر قرآنی به صورت مزبی و استحبابی است و تنها در موارد ضرورت برای دفع تهاجم دشمنان واجب می گردد آنگونه که از ظاهر آیه «فان قاتلوکم فاقتلوهم»<sup>۳۹</sup> و «قاتلوا المشرکین کافه کما یقاتلونکم کافه»<sup>۴۰</sup> استفاده می شود.

این نظریه مخالف با اجماع فقهاء اسلام است زیرا وجوب جهاد امری مسلم و از نظر اسلام غیر قابل تردید می باشد و ظاهراً نظر این عده از تابعین آن بود که مشروعیت جهاد منوط به دلائل و مجوزهای خاصی است که از آن جمله دفاع را ذکر نموده اند.

۳ - جنگ (جهاد) وسیله است نه هدف زیرا هدف از جهاد هدایت است و جنگ با کفار و کشتار آنها مقصود اصلی نیست و بهمین دلیل است که اگر هدایت بدون جهاد امکان پذیر باشد چنین طریقه ای مقدم بر جهاد خواهد بود و نیز در جهاد به حداقل و مقدار مورد لزوم اکتفا می شود و در حقیقت ضرورتی است که در مواقع خاص به میزان ضرورت اجتناب ناپذیر می گردد.

مستند این نظریه روایاتیست که از خوی جنگجویی نهی می کند و مسلمین را به عافیت طلبی دعوت می کند از این قبیل است روایتی که ابوهریره نقل می کند:

«ایها الناس لاتمنوا لقاءالله و وسلواالله العاقبه»<sup>۴۱</sup>

این نظریه که به فقهای شافعیه نسبت داده شده<sup>۴۲</sup> گرچه در توجیه انگیزه جهاد قابل مناقشه است زیرا هدف جهاد هدایت نیست و اگر نه وسیله هدایت است (افانت تکره الناس) و نه امر دین اکراه بردار است (لا اکراه فی الدین) ولی

برداشت کلی در این نظریه بر اساس عدم اصالت جهاد است و بر این مبنا که جنگ همواره باید با مجوز شرعی آغاز گردد.

۴ - نظریه منسوخ بودن جهاد که به جنبش قادیانیها نسبت داده شده و با توجه به نصوص قرآن و احادیث اسلامی در زمینه فریضه بودن جهاد جایی بسرای بحث درباره این نظریه باقی نمی ماند.

۵ - نظریه سه مرحله ای یعنی اینکه غیرمسلمین مکلفند به یکی از سه امر تن در دهند. اسلام، یمان و جنگ. مستند این نظریه آیه جزیه است که پایان جنگ را گردن نهادن به پرداخت جزیه یعنی قرار داد ذمه معرفی نموده است.

ادامه دارد

۱ - راهنمای سازمان ملل متحد صفحه ۱۷۵

۲ - سوره صافات آیه ۸۴

۳ - سوره مائده آیه ۱۶

۴ - سوره انعام آیه ۱۲۷

۵ - سوره انعام آیه ۵۴

۶ - سوره رعد آیه ۲۴

۷ - سوره نور آیه ۶۱

۸ - سوره صافات آیه ۱۸۱

۹ - سوره بقره آیه ۱۱۲

۱۰ - سوره واقعه آیه ۲۵

۱۱ - سوره فرقان آیه ۶۳

۱۲ - سوره نساء آیه ۹۴

۱۳ - سوره ق آیه ۳۴

۱۴ - سوره قدر آیه ۵

۱۵ - سوره حشر آیه ۲۳

۱۶ - قاموس القرآن ج ۳ صفحه ۲۹۹

۱۷ - سوره آل عمران آیه ۸۵

۱۸ - سوره آل عمران آیه ۱۹

۱۹ - سوره نحل آیه ۸۷

۲۰ - مفردات راغب ماده صلح

۲۱ - سوره نساء آیه ۱۲۸

۲۲ - سوره فاطر آیه ۱۰

۲۳ - سوره بقره آیه ۱۸۲

۲۴ - سوره محمد آیه ۲

۲۵ - وسائل الشیعه ج ۴ صفحه ۱۰۰۶

۲۶ - نهج البلاغه خطبه ۱۰۶

۲۷ - ابن ماجه باب فتن صفحه ۳۳

۲۸ - وسائل الشیعه ج ۱۳ صفحه ۱۶۴

۲۹ - همان مأخذ ج ۱۱ صفحه ۵۱۹

۳۰ - همان مأخذ ج ۱۳ صفحه ۱۶۴

۳۱ - همان مأخذ صفحه ۱۶۱

۳۲ - کافی ج ۲ صفحه ۲۱۰

۳۳ - ابن ماجه باب فتن صفحه ۳۵

۳۴ - صحیح مسلم کتاب الجهاد صفحه ۱۳۳

۳۵ - اسلام و حقوق ملل از همین قلم صفحه ۸۶

۳۶ - در بحث حقوق جنگ درباره این موضوع بحث خواهیم نمود

۳۷ - رجوع شود به العقیده و الشریعه تألیف گلذیهر صفحه ۲۷

۳۸ - رجوع شود به صلح و جنگ در اسلام تألیف دکتر مجید خنوری صفحه ۸۲

۳۹ - سوره بقره آیه ۱۹۱

۴۰ - سوره توبه آیه ۳۶

۴۱ - صحیح بخاری ج ۲ صفحه ۶۳

۴۲ - رجوع شود به معنی المحتاج ج ۲ صفحه ۲۱۰